



سرخط

نقطه مبارزه در جنگ اقتصادی

ساختاری اقتصاد ایران از سوی ایشان انتخاب شد. به مرور افکار عمومی تحلیل رهبر انقلاب از اهمیت یافتن مضاعف مسئله اقتصاد برای انقلاب اسلامی را درک و کارهایی ولو پراکنده و غیرمنسجم آغاز شد. در میان عناوین سال مقوله «توسعه تولید ملی»، یکی از محورهای اساسی و ارکان کلیدی نقشه مقاومت اقتصادی، از سوی ایشان مورد تأکید قرار گرفت؛ به گونه ای که در دهه ۱۳۹۰ شمسی، سال های ۱۳۹۱، ۱۳۹۵ و حالا ۱۳۹۸، بر این کانون اصلی اصلاح اقتصادی اشاره کرده اند.

اما چرا تقویت بنیه «تولید ملی»، امروز نقطه اهرمی در حل مسائل اقتصادی کشور است؟ بخش مهمی از پاسخ به این پرسش، به مسائل جاری اقتصاد ایران بازمی گردد. از شرایط کنونی اقتصاد ایران، در دانش اقتصاد، به «رکود تورمی» تعبیر می شود. اعداد و ارقام چنین تصویری از اقتصاد ایران ارائه می دهند:

در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی، اقتصاد همچنان اولویت اول و در رأس مسائل کشور است. اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷، مسیر پرماجرا و دشواری را طی کرد. شوک ارزی که علائم آن از زمستان ۹۶ آغاز و به مرور، بر سایر بازارهای اقتصادی و البته معیشت طبقه ضعیف و متوسط جامعه اثر گذاشت.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در سخنرانی نوروز سال ۱۳۸۶، جنگ اقتصادی را عرصه نبرد استکبار با نظام اسلامی برشمردند و در شهریور ۱۳۸۹، مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را در دیدار با کارآفرینان وارد نظام مفاهیم دستگاه تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور کردند. سرانجام در بهمن ۱۳۹۲، با ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، نقشه کلی مقاومت اقتصادی کشور در شرایط جنگ اقتصادی را ارائه نمودند.

از سال ۱۳۸۷، تقریباً عناوین همه سال ها با جهت گیری مسائل اقتصادی کشور و با هدف اصلاح مسائل



اولاً آخرین گزارش مرکز آمار ایران از نرخ رشد اقتصادی در نُه ماه سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد نرخ رشد اقتصادی در ایران با نفت به $۳/۸$ - درصد و بدون نفت به $۱/۹$ - درصد رسیده است. حسب این گزارش که در ۲۵ فروردین ۱۳۹۸ ارائه شده، احتمالاً میزان تولید داخلی محصولات در اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷، بین سه تا پنج درصد کاهش پیدا کرده است. اعداد این شاخص حکایت از قرار گرفتن اقتصاد ایران در شرایط رکودی و آسیب‌پذیری بخش تولید، در سالی که گذشت، دارد.

ثانیاً نرخ تورم دوازده‌ماهه منتهی به فروردین ۱۳۹۸، $۳۰/۶$ درصد رسیده است و نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه (فروردین ۹۸ به فروردین ۹۷) فراتر از ۵۱ درصد شده است. نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه نشان‌دهنده وضعیت قدرت خرید خانوار در مقایسه میان این دو نقطه‌ی زمانی است که حکایت از کاهش شدید قدرت خرید خانوار دارد. نرخ تورم تک‌رقمی به‌عنوان مهم‌ترین دستاورد دولت دوازدهم در سال ۱۳۹۶، اینک به تاریخ پیوسته است و در سال ۱۳۹۷، رکوردهای عکس آن عملکرد ثبت شده است. برای اولین بار بعد از سه دهه، اقتصاد ایران نرخ تورم ماهانه بالای سه درصد را از خردادماه سال ۹۷ به مدت سه ماه پیاپی ثبت کرد و به اعداد تاریخی نرخ تورم ماهانه ۷ درصد در مهرماه رسید. همه این اعداد و ارقام حکایت از بیدار شدن اژدهای تورم در اقتصاد ایران دارد که البته با این بیماری، الفت دیرین داشته، اما اینک غیرقابل کنترل‌تر از گذشته به نظر می‌رسد.

حسب این تصویر از شرایط کنونی اقتصاد ایران، نگاه به آینده و تحلیل چشم‌انداز آتی نقش مهمی دارد. نگاه بیرونی تلاش دارد آینده یأس‌آفرینی برای اقتصاد ایران پیش‌بینی کند، پیش‌بینی‌ای که گاه بدین قصد صورت می‌گیرد تا اتفاق افتد. صندوق بین‌المللی پول در گزارشی که در اواخر فروردین ۱۳۹۸ منتشر کرد، پیش‌بینی می‌کند که نرخ رشد اقتصادی در ایران به منفی ۶ و نرخ تورم به بیش از ۳۷ درصد برسد. بدنه

کارشناسی کشور نیز با استمرار سیاست‌های گذشته، رشد بخش تولید در کشور را در سال ۱۳۹۷ منفی می‌داند. مرکز پژوهش‌های مجلس در زمستان ۱۳۹۷، حسب دو سناریو خوش‌بینانه (با فرض صادرات حدود دو میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی) و بدبینانه (با فرض صادرات حدود یک میلیون و نیم بشکه نفت خام و میعانات گازی) به ترتیب $۲/۵$ - و $۵/۵$ - پیش‌بینی کرده است.

با تصویری که از اقتصاد ایران در سال ۹۷ طرح شد و چشم‌انداز آتی، اهمیت «رونق تولید» به‌عنوان راهبرد اساسی اقتصاد کشور در سال ۱۳۹۸ مشخص می‌شود. جلوگیری از تعمیق رکود، کاهش نرخ بیکاری و نرخ تورم و مقابله با فشار بر معیشت طبقات کم‌درآمد جامعه، درگرو رونق تولید و تقویت همه‌جانبه فرهنگ خلق ارزش افزوده در جامعه امروز ایران است.

تولید در اقتصاد امروز ایران، با دو چالش روبرو است؛ یکی قابل کنترل و اصلاح است و دیگری از جمله متغیرهای غیرقابل کنترل است. متغیر قابل کنترل، چالش‌های داخلی و تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های نادرست داخلی است که در ادبیات روزانه به «خودتحریمی» معروف شده است. بسیاری از مسائل بخش تولید در کشور، معلول مقررات، قوانین داخلی و ساختارهای اداری و اجرایی بوروکراتیک است. قوانین اساسی اقتصاد مانند قانون پول، قانون مالیات، قانون کار، قانون تأمین اجتماعی، قانون نظام بانکی و بسیاری از قوانین دیگر سال‌هاست که سخن از اصلاح و تحول آن‌ها زده می‌شود؛ ولی خبری از تغییر نیست. مقررات و سیاست‌های دولت در شرایط جنگی نیز حائز اهمیت است؛ انتخاب‌هایی که در عین داشتن نوعی انعطاف، از اتهام خلق الساعه بودن مُبرا باشد. چالش غیرقابل کنترل، استفاده دشمن از ابزارهای نام «تحریم» است. «ریچارد نفیو»، مسئول تیم طراحی تحریم‌ها علیه ایران در دوره قبل در دولت «بارک اوباما»، در ابتدای سال ۲۰۱۸ میلادی کتابی با عنوان «هنر تحریم‌ها، نگاهی از درون میدان» منتشر کرد و به تشریح



ورونق تولید ملی است؛ مشروط بر آنکه بر اشتباه‌های گذشته اصرار نوزیم و از تجربه‌های موفق بهره ببریم. در نوروز ۹۸، پژوهشگران مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام نوشتارهایی پیرامون مختصات، الزامات و ابعاد تحول و رونق اقتصادی منتشر کردند. در پرونده ابتدایی این شماره، تحریریه نشریه شش نوشتار را برای ارائه در این پرونده برگزیده است. در این نگاه‌ها، تلاش شده است تا با تحلیل تاریخی مشخص شود چرا اقتصاد، بعد از سه دهه برنامه‌های توسعه در دولت‌های مختلف، در ردیف مسائل فوری و اولیه کشور باقی مانده است و موانع اصلی در این اصلاحات اقتصادی چه بوده است. کوشش شده است تا با تغییر ذهنیت‌ها، منظرهای جدید در نگاه به مقوله «تولید ملی» مورد توجه قرار گیرد و از ضرورت مطالبه تخصصی از چرایی کنش‌ها و سیاست‌های انتخابی مسئولین سخن گفته شده است. به امید آنکه سال ۱۳۹۸، سال گشایش‌ها باشد.

تحریریه نشریه تأملات

چارچوب فکری و عملی خود در طراحی تحریم‌ها علیه ایران پرداخت. کتابی که حاوی تجربه‌های جالبی برای جنگ امروز اقتصادی کشور نیز هست. به باور «نفیو»، تحریم‌گذاری به عنوان ابزار استراتژیک در دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده، نه امری صرفاً فنی، بلکه بیشتر هنر تصمیم‌گیری و به کار گرفتن خلاقانه ابزارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. به عنوان مثال، «ریچارد نفیو» نشان می‌دهد که چگونه در عین تحریم کالاهای اساسی کشور، واردات کالاهای لوکس را از تحریم معاف کرده تا به احساس اجتماعی تحریم‌شدگی در جامعه ایران، بیشتر دامن بزند. در نگاه او، هنر تحریم چیزی شبیه هنر شکنجه کردن است و آمریکا از هر ابزاری که زمینه احساس درد و زوال استقامت را ایجاد کند، استفاده کرده و می‌کند؛ اما نکته مهم قابل ذکر در این کتاب آنجاست که نفیو اشاره می‌کند کانون اصلی اصابت تحریم‌ها برای ایجاد احساس درد در جامعه ایران، «توان تولید ملی» ایرانیان بوده است؛ چراکه در تحلیل آن‌ها، آسیب بخش تولید بلافاصله باعث تغییر سفره مردم شده و این منجر به افزایش درد اجتماعی می‌شود و در نتیجه، دولتی که سرکار باشد، برای حفظ مقبولیت خود ناچار به دادن امتیازاتی می‌شود.

بنابراین تولید از درون و بیرون، امروز نقطه میدانی جنگ اقتصادی است. تأکید بر تولید مولد و دارای خلق ارزش افزوده مؤثر و نه صرفاً مونتاژی و سرهم‌بندی شده، موجب اشتغال مولد و پایدار، ثبات قیمت‌ها و پیشرفت بلندمدت اقتصادی کشور خواهد شد. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی به درستی در روز اول سال ۱۳۹۸، آن را سال «فرصت‌ها، امکانات و گشایش‌ها» برشمردند. فشار دشمن بر ساختار بخش تولید، فرصتی برای تغییر است. «داگلاس نورث» در کتاب «فهم فرآیند تحول اقتصادی»، مطالبه مقاومت اقتصادی را «مطالبه تغییر» در همه ابعاد آن دانسته است. نیمه پر لیوان تهدید و تحریم، توجه به ظرفیت‌های کشور برای تحول